



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲/ اسفند/ ۱۳۹۵

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۲۲ جمادی الاول ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - واجب معلق و منجز -

بررسی انکار شیخ نسبت به واجب معلق

جلسه: ۷۱

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از تقسیم واجب به معلق و منجز که از ابداعات صاحب فصول است بعد از این که این دو واجب را از منظر ایشان تعریف کردیم چند مطلب باید مورد بررسی قرار بگیرد.

تعریف واجب معلق و منجز طبق نظر صاحب فصول معلوم شد. ایشان فرمود: واجب منجز عبارت است از واجبی که در آن وجوبش فعلی است و معلق بر یک امر غیر مقدور برای مکلف نیست، مثل وجوب معرفت و شناخت. واجب معلق واجبی است که وجوبش فعلی است ولی در عین حال متوقف بر یک امری است که برای مکلف مقدور نیست و باید انتظار تحقق آن قید را بکشد. چند بحث در ما نحن فیه وجود دارد:

اول: اصل این تقسیم است که آیا این تقسیم مقسمش واجب مطلق است یا مطلق واجب؟

دیروز بیان شد که ظاهر کلام صاحب فصول این است که ایشان میخواهد واجب مطلق را به دو قسم تقسیم کند اما اینجا یک ملاحظات و مطالبی وجود دارد که باید بیان شود.

دوم: موضع شیخ انصاری و محقق خراسانی با این تقسیم چیست؟

سوم: فائده و ثمره این تقسیم چیست و اصلاً چرا صاحب فصول این قسم را اختراع کرد و کلاً چه مسئله ای باعث شد که ایشان یک قسمی از واجب را به نام واجب معلق اختراع کند.

چهارم: آیا اساساً واجب معلق ممکن است یا نه زیرا برخی مثل صاحب تشریح مرحوم محقق نهایندی اصل امکان واجب معلق را زیر سوال بردند که انشاء الله در ادامه بیان می شود.

انکار شیخ نسبت به واجب معلق و توجیه محقق خراسانی

شیخ انصاری (ره) این تقسیم را انکار کرده است ایشان در مقابل صاحب فصول ایستاده و ادعا می کند که اصلاً غیر از واجب مطلق و مشروط قسم سومی به نام واجب معلق نداریم و تقسیم واجب را به این دو قسم را انکار نموده اند.^۱

^۱ مطراح الانظار، ص ۵۱ و ۵۲

محقق خراسانی سعی در توجیه انکار مرحوم شیخ انصاری نموده و می‌فرماید: آن واجب معلقی که صاحب فصول می‌گوید بعینه همان واجب مشروطی است که مرحوم شیخ انصاری اختیار کرده؛ نه واجب مشروط عند المشهور. زیرا مشهور از واجب مشروط یک تفسیر دارند و مرحوم شیخ تفسیر دیگری از واجب مشروط دارند. یعنی طبق نظر مشهور، واجب مشروط واجبی است که در آن قید رجوع به هیئت کرده است و تا زمانی که قید نیامده و شرط محقق نشده وجوب محقق نیست و تنها زمانی وجوب تحقق پیدا میکند که قید محقق شود. اما طبق نظر مرحوم شیخ انصاری واجب مشروط عبارت است از واجبی که وجوب آن فعلیت دارد و متوقف بر حصول قید نیست. این فرق بین واجب مشروط عند المشهور و عند الشیخ است، زیرا مشهور قید را به هیئت بر می‌گرداند ولی مرحوم شیخ انصاری قید را به ماده بر می‌گرداند.

اگر فرق واجب معلق نزد صاحب فصول با واجب مشروط نزد مشهور و مرحوم شیخ انصاری مشخص شود آن وقت معلوم می‌شود که آیا مرحوم شیخ منکر این تقسیم می‌باشد یا خیر؟ با تعریفی که صاحب فصول از واجب معلق نمود باید دید فرق بین واجب معلق صاحب فصول با واجب مشروط مرحوم شیخ انصاری و با واجب مشروط مشهور در چیست؟

فرق واجب مشروط شیخ با واجب معلق صاحب فصول: طبق نظر مرحوم شیخ انصاری وجوب فعلیت دارد و تنها واجب است که معلق بر حصول قید شده است. قید در واجب مشروط طبق نظر مرحوم شیخ انصاری متعلق به ماده است و واجب را مقید می‌کند.

صاحب فصول نیز در تعریف واجب معلق می‌فرماید واجب معلق واجبی است که وجوبش فعلیت دارد اما خود واجب مقید به قید است. پس آن چه را که مرحوم شیخ انصاری واجب مشروط می‌داند همان است که صاحب فصول آن را به عنوان واجب معلق تعریف کرده یعنی به حسب ظاهر بین واجب معلق صاحب فصول و واجب مشروط مرحوم شیخ انصاری فرقی نیست. تنها یک فرق کوچک بین آن‌ها می‌باشد که آن هم از حیث توسعه و تضییق است. یعنی صاحب فصول معلق علیه را در واجب معلق امری می‌داند که مقدور مکلف نیست مثل مسئله زمان در حج که در اختیار مکلف نیست. یعنی این که اشر حج چه زمانی محقق می‌شود تحت اختیار مکلف نیست اما مرحوم شیخ انصاری که قید را به ماده بر می‌گرداند و در واقع کاری به این جهت ندارد که این قید در اختیار مکلف می‌باشد یا خیر؟ چه آن قید مقدور باشد مثل استطاعت و چه غیر مقدور باشد مثل چیزی که به فعل دیگری مربوط است که ارتباطی به من مکلف ندارد. در هر صورت واجب مشروط مرحوم شیخ انصاری از این جهت وسعت بیشتری دارد تا واجب معلق صاحب فصول. یعنی قید در نظر مرحوم شیخ انصاری اعم از این است که مقدور باشد یا نباشد اما در نظر صاحب فصول این قید، قید غیر مقدور للمکلف است. پس تنها تفاوت، تفاوت از حیث توسعه و تضییق در ناحیه قید است والا هم صاحب فصول می‌گوید: وجوب در واجب معلق فعلی است هم مرحوم شیخ انصاری در واجب مشروط مورد نظر خودش وجوب را فعلی می‌داند و هر دو معتقدند که واجب مقید شده و اگر آن قید تحقق پیدا کند واجب باید اتیان شود و الا فلا.

فرق واجب مشروط مشهور با واجب معلق صاحب فصول: اما واجب مشروط مشهور با واجب معلق صاحب فصول متفاوت است. طبق نظر مشهور واجب مشروط وجوبش فعلیت ندارد. فعلیت وجوب طبق نظر مشهور زمان حصول قید محقق می‌شود یعنی تا زید نیامده اصلاً وجوب اکرام فعلیت ندارد، بر خلاف مرحوم شیخ انصاری که می‌فرماید: از همان لحظه که امر مولا انشاء می‌

شود این وجوب فعلیت دارد ولی واجب مقید شده به قید مجئی زید. پس فرق بین این دو این است که طبق نظر مشهور تا زمانی که زوال محقق نشده وجوب نماز محقق نیست اما طبق نظر صاحب فصول با این که هنوز وقت حاصل نشده ولی وجوب محقق است. با توضیحی که بیان شد مبنی بر این که واجب معلق صاحب فصول، نسبتش با واجب مشروط مرحوم شیخ انصاری و واجب مشروط عند المشهور چیست می توانیم بفهمیم مقصود صاحب کفایه که در صدد توجیه انکار مرحوم شیخ انصاری نسبت به این تقسیم است چیست.

مرحوم شیخ انصاری می فرماید: ما اصلا تقسیمی به نام واجب معلق و منجز نداریم، بلکه یک تقسیم داریم و آن هم واجب مطلق و مشروط است. لذا محقق خراسانی می فرماید: آن واجب معلقی که مرحوم صاحب فصول ادعا کرده به عینه همان واجب مشروطی است که مرحوم شیخ انصاری ادعا کرده است، لذا انکار آن توسط مرحوم شیخ انصاری معنا ندارد و تنها اسم آن واجب عوض شده که صاحب فصول به آن واجب معلق می گوید و مرحوم شیخ انصاری به آن واجب مشروط. پس دعوا و نزاع یک دعوی لفظی است. دعوا سر اسم واجب معلق است و الا مرحوم شیخ انصاری منکر حقیقت واجب معلق نیست زیرا خود ایشان این واقعیت را قبول کرده که قید در واجب به ماده رجوع می کند یعنی وجوب فعلی است اما ماده مقید به قید خاصی شده است. که این همان واجب معلق است.

خلاصه توجیه محقق خراسانی: پس ظاهر کلام مرحوم شیخ انصاری این است که ما چیزی به نام واجب معلق نداریم و محقق خراسانی در توجیه کلام ایشان می فرماید انکار ایشان در حقیقت انکار اسم واجب معلق است و الا واقعیت واجب معلق که همان واجب مشروط است را قبول دارد. پس اگر مرحوم شیخ انصاری واجب معلق را انکار می کند درحقیقت واجب مشروط به معنایی که مشهور گفته اند را انکار می کند.

پس توجیه محقق خراسانی برای انکار مرحوم شیخ انصاری نسبت به واجب معلق این است که، ایشان اگر واجب معلق صاحب فصول را انکار می کند، واقعیت واجب معلق را انکار نمی کند. بلکه کانه با صاحب فصول اختلاف دارد و به او اشکال می کند که چرا نام این واجب را معلق گذاشته اید. پس مرحوم شیخ انصاری منکر واجب معلق نیست و حقیقت آن را قبول دارد و به آن ملتزم شده منتهی به آن واجب مشروط می گوید و صاحب فصول به آن واجب معلق می گوید. کانه این اختلاف در تسمیه است.

سوال:

پاسخ: در این که مرحوم شیخ انصاری این تقسیم را انکار کرده بحثی نیست و این صریح عبارت ایشان است که ما اصلا چیزی به نام واجب معلق نداریم، و اصلا قسم ثالثی غیر از واجب مشروط و مقید به نام واجب معلق نداریم و اصلا معقول نیست. کان از ایشان سوال شده که شما که میگویید واجب معلق نداریم با توجه به تعریفی که صاحب فصول از واجب معلق نموده است، پس چرا خودتان به آن ملتزم شده اید؟ محقق خراسانی سخن مرحوم شیخ انصاری را توجیه نمودند و گفتند انکار ایشان، انکار تسمیه است نه انکار حقیقت و واقعیت واجب معلق.

نظر محقق خوبی درباره انکار شیخ

در مقابل، بعضی قائلند که انکار مرحوم شیخ انصاری انکار واقعیت واجب معلق است نه این که صرف یک تسمیه و نام گذاری باشد.

محقق خوبی می فرماید: مرحوم شیخ انصاری به کلی منکر واجب معلق به همان معنایی است که صاحب فصول بیان نموده است لذا انکار تنها در تسمیه و نام گذاری نیست و بین واجب معلق که صاحب فصول بیان می کند و واجب مشروطی که مرحوم شیخ انصاری بیان می کند تفاوت وجود دارد نه این که این ها بر هم منطبق باشند.

اگر این سخن را از محقق خوبی قبول کنیم دیگر این انکار، انکار تسمیه و نام گذاری نیست بلکه انکار واقیعت است.

توضیح ذلک:

طبق توجیه محقق خراسانی واجب معلق صاحب فصول به عینه همان واجب مشروط مرحوم شیخ انصاری است با یک تفاوت جزئی. طبق آن نگاه انکار مرحوم شیخ انصاری نسبت به این تقسیم، اشکال به نام گذاری است نه در اصل واجب معلق، اما طبق بیان محقق خوبی مسئله فرق می کند زیرا ایشان معتقدند که مرحوم شیخ انصاری راسا واجب معلق را منکر می باشند. حقیقتا و اساسا آن چه که ایشان به عنوان واجب مشروط قبول کردند متفاوت است با آن چه که صاحب فصول به آن ملتزم شده است. (از یک سو این بحث تاثیر عملی خاصی ندارد که آیا مرحوم شیخ انصاری واقعا این قسم از واجب را قبول دارند یا ندارند. از سوی دیگر باید دید بالاخره واجب معلق صاحب فصول با واجب مشروطی که مرحوم شیخ گفته اند با هم منطبق هستند یا نه؟ این بحث کمک می کند که یک تصویر صحیحی از واجب معلق داشته باشیم).

محقق خوبی می فرماید: واجب معلق در واقع یک قسمی از واجب مطلق نیست و این طور نیست که بگوییم واجب یا مطلق است یا مشروط و واجب مطلق تقسیم می شود به واجب معلق و منجز بلکه این واجب یک قسمی از واجب مشروط است. زیرا وجوب هر واجبی از دو حال خارج نیست یا مشروط به چیزی است که زمانی است یا خود زمان است و نیز یا مقارن است یا متاخر و یا اساسا مشروط به چیزی نیست و قسم سومی ندارد. لاستحالة ارتفاع التقيضين.

اگر مشروط به چیزی باشد، واجب مشروط است و اگر مشروط به چیزی نباشد واجب مطلق می شود. مثلا حج واجب شده است و وجوبش مشروط شده به چیزی که مقدور مکلف نیست مثلا در فلان روز این حج را انجام بدهد. از یک جهت وقوع العمل فی یوم العرفه مقدور مکلف است اما نفس یوم العرفه و تحقق آن در اختیار مکلف نیست. لذا در مجموع غیر مقدور است. درست است که ایقاع عمل در روز عرفه در اختیار و قدرت مکلف است اما چون خود روز عرفه در اختیار مکلف نیست نتیجه اش این می شود که آن امر یک امر غیر مقدور است و چون تکلیف متعلق به ایقاع عمل در زمان خاص شده است معلوم می گردد که این زمان مدخلیت دارد در زمان وقوع حج؛ زیرا اگر مدخلیت نداشت معنا نداشت این را جزئی از موضوع قرار دهند و در موضوع اخذ کنند. لذا در مجموع این وجوب مقید می شود به قید زمان و مشروط به آن می شود منتهی به نحو شرط متاخر. لذا اگر این زمان خاص محقق نشد (مثلا قیامت برپا شد) یا مثلا مکلف دیوانه شد و از قابلیت تکلیف خارج شد حاکی از این است که از ابتداء واجب نبوده. پس واجب معلق به این معنا که وجوب از هم اکنون وجود دارد ولی وجوب غیر مقدور مکلف است، این همان واجب مشروط به نحو شرط متاخر است. اگر واجب مشروط شد به قیدی که در آینده می آید و مقدور مکلف نیست این واجب مشروط بشرط المتاخر است لذا از اقسام واجب مطلق نیست. کانه واجب مشروط به شرط متاخر بر دو نوع است گاهی متعلق وجوب یک امر فعلی است

و گاهی متعلق وجوب یک امر استقبالی است مانند حج در روز عرفه ولی هر دو در یک جهت مشترکند و آن این که هر دو مشروطند.

آن چه که صاحب فصول به نام واجب معلق نام گذاری کردند این قسم دوم است. نوع دوم واجب مشروط به شرط متاخر است. لذا این که ما این را از اقسام واجب مطلق بدانیم خطای محض است.

پس محقق خوئی این مطلب را از حیث ثبوتی بیان می کنند که اساسا واجب معلق در نظر صاحب فصول با واجب مشروطی که مرحوم شیخ انصاری می گویند فرق دارد. واجب معلقی که صاحب فصول می گوید در واقع یک واجب مشروط به شرط متاخر است زیرا همان طور که بیان شد واجب مشروط به شرط متاخر بر دو نوع است که یک نوع آن همان واجب معلق است و این با کلام مرحوم شیخ انصاری متفاوت است.

پس درباره انکار مرحوم شیخ انصاری نسبت به واجب معلق دو نظر وجود دارد عده ای مانند محقق خراسانی کلام ایشان را توجیه می کند و می گوید این انکار، انکار واقعی واجب معلق نیست بلکه صرفا در تسمیه و نام گذاری است و عده ای مانند محقق خوئی معتقدند که این انکار، انکار واقعی واجب معلق است و این که به طور کلی بین واجب معلق صاحب فصول و واجب مشروط مرحوم شیخ انصاری فرق است زیرا واجب معلقی که ایشان می فرماید از قبیل واجب مشروط به شرط متاخر آن هم به نحوی که شرطش از قبیل زمان است.

«الحمد لله رب العالمین»